

نگاه بیرون

واشنگتن به دنبال ائتلاف با اخوان علیه داعش

السفیر

● این مساله جدیدی نیست که از بخشی از گروه‌های اسلامی علیه دیگران استفاده شود. در دوران استعمار قدیم یعنی بریتانیا بارها این اتفاق افتاد و از حرکت‌های اسلامی علیه هم‌دیگر یا علیه گروه‌های چپ و ملی‌گرا و آزادی‌بخش استفاده می‌شد.
اینگ ما با موج تازه‌ای از تروریسم مواجه هستیم که با شعارهای اسلامی خواستار بازگشت به «اصول» تحت پرچم «خلافت» هستند و این خلفای متعدد از «القاعده» گرفته تا «داعش»، خواستار بیعت با سایر تشکل‌های تروریستی در اقصی نقاط جهان بوده و می‌خواهند خلافت‌شان را بیش‌ازپیش توسعه دهند.

امروزه البته دیگر از آن امپراتوری قدیم خبری نیست و به‌جای بریتانیا، آمریکا با چنین معضلی مواجه شده است. آمریکا ابتدا مثل نحوه عملکردش در مقابله با دولت «صدام‌حسین»، دیکتاتور سابق عراق، خواستار تشکیل ائتلافی بین‌المللی شد و برای آن شرط و شروطی گذاشت: با نیروی نظامی بدهید یا کمک مالی کنید. کشورهای مختلفی از انگلستان و فرانسه گرفته تا استرالیا در این ائتلاف شرکت کرده و نیروهایشان را فرستادند. حتی برخی دولت‌های عربی از جمله کشورهای حوزه‌خلیج‌فارس نیز هوایپماها و خلبان‌هایشان را به این ماموریت اعزام کردند تا در نبرد علیه «خلافت تروریسم» شرکت کنند.

اما بعد از یک‌سری برخوردها معلوم شد که دست بالا را نیروهای «اقلیم کردستان» دارند که دولتی قوی‌تر از بغداد در شرایط کنونی‌اند. از این رو، از نیروهای کردستان پشتیبانی هوایی شد و برخی از نیروهای «ویژه» آمریکا و انگلستان و کانادا نیز برای مشاوره، به کمک آنها شتافتند، اما رفته‌رفته نیاز به افزایش این نیروها احساس شد و حتی بعضی از لزوم ارسال نیروی زمینی گفتند.
باین‌حال خاک عراق با سوریه به هم متصل بود و نیروهای داعش از پیش‌بخش‌هایی از سوریه یعنی «رقه» و اطراف آن را اشغال کرده بودند. آنها در سوریه چاه‌های نفت «دیرالزور» و «قامشلی» را به تصرف خود در آورده و با فروش نفتشان به «سلطان» ترک توانستند سرمایه‌ هنگفتی را برای خود تدارک ببینند؛ عجیب اینکه «رجب طیب اردوغان»، رئیس‌جمهوری ترکیه، با تفکر اخوانی خود در اینجا هیچ احساس تناقضی نمی‌کرد و با داعش همکاری نزدیکی داشت و دارد.

حضور یک هیات از اخوان‌المسلمین در واشنگتن و دیدار با مقامات آمریکایی اتفاقی بود که دولت جدید مصر را شوکه کرد. «اخوان‌المسلمین» گروهی است که دوسال پیش مردم مصر علیه آنها تظاهرات کرده و دولتشان را سرنگون کردند. دلیل سفر این هیات هنوز روشن نیست، اما شاید این باشد که بعد از مianجی‌گری‌های ترکیه و قطر و بی‌نتیجه‌بودن تلاش‌های آنها، آمریکا برای مهار داعش مجبور شده دست به دامن اخوان‌المسلمین شود. آمریکا بر این باور است که باید بین «اخوان‌المسلمین» وگروه‌های جهادی اسلام‌گرای مصری که در صحرای سینا جنگیده و حتی با «ابوبکر البغدادی»، رهبرخودخوانده داعش، اعلام بیعت کرده‌اند، تفاوت قایل شد.
جالب اینکه وزیرخارجه آمریکا که این دیدار دفاع کرده است؛ دیداری که قاهره آن را «خطایی سنگین» در کل سیاست‌های واشنگتن توصیف و به‌شدت محکوم کرد.

زمان این دیدار هم مهم بود زیرا در آستانه برگزاری کنفرانس بین‌المللی برای سرمایه‌گذاری در مصر صورت گرفت؛ یعنی درست زمانی که دولت جدید مصر تلاش می‌کند تا با کمک عربستان و امارات و سازمان‌ملل متحد، بیشترین حمایت‌های جهانی را برای خود جلب کند. از سوی دیگر، این دیدار زمانی صورت گرفته که گروه‌های افراطی‌ه هم‌پیمان با داعش به‌صورتی آشکار و بی‌روا دست به جنایت زده و بر ارتش مصر در صحرای سینا حمله می‌کنند. آنها می‌خواهند در این شبه‌جزیره، جبهه جدیدی را بکشایند که در ادامه آن گروه حماس که در غزه حاکم است از آن استفاده کند. طبعاً مصر درشرایطی نیست که بتواند با این موضوع کنار بیاید. به‌ویژه که می‌رود تا جنگ فراگیر را با گروه‌های افراطی در سینا ادامه‌بخشد. گروه‌های میانه‌روی مانند اخوان‌المسلمین در این شرایط باید تکلیف خود را روشن کنند و بخش‌های میانه‌رو آنها تصمیم بگیرند درزمره دولت درآیند و مشروعیت نظام موجود در مصر را بپذیرند. این سناریویی است که چندان دور از انتظار نیست. به‌رحال، آ‌آ مقابله با داعش موجب آن شده که دوباره اهمیت گروه‌های اسلام‌گرای میانه‌رو نشان داده و برای مقابله با امثال داعش، از آنها حمایت شود؟ دراین‌میان چه کسی می‌تواند وفاداری اخوان‌ها را تضمین کند؛ گروهی که یک‌بار مزه حکومت را چشیده‌اند و الان تلخی ازدست‌دادن آن را مزه‌مزه می‌کنند؟

اگر دست‌اندرکاران امنیت‌ملی آمریکا روی یک مفهوم اتفاق نظر داشته باشند، آن مفهوم این است: واشنگتن به استراتژی نیاز دارد. استراتژی‌ای برای شکست داعش، جلوگیری از گسترش افراط‌گرایی در آفریقا و اروپا و تامین امنیت فضای مجازی. از همین روست که انتشار سند استراتژی امنیت‌ملی آمریکا می‌تواند مورد توجه قرارگیرد، اما این سند که محتوای آن محصول مذاکرات طولانی میان شورای امنیت‌ملی کاخ سفید، پنتاگون، سازمان سیا و وزارت امورخارجه است، بیشتر شبیه بیانیه یک سازمان خیریه است تا استراتژی امنیت‌ملی آمریکا. «باراک اوباما»، رئیس‌جمهوری آمریکا، روز جمعه از استراتژی جدید امنیت‌ملی آمریکا پرده برداشت؛ استراتژی‌ای که ترکیبی بود از وعده‌های سیاست خارجی پیشین او و چالش‌های حل‌نشده. آن‌طور که اوباما تشریح کرده، جلوگیری از پیوستن نیروهای جدید به داعش در سوریه و عراق و ادامه نظارت بر القاعده از اولویت‌های استراتژی امنیت‌ملی آمریکاست. هرچند روی‌هم‌رفته، اوباما نسبت‌به مداخله نظامی در جنگ‌های جدید ابراز بی‌میلی کرده و گفته آمریکا نباید مسیر وقایع سراسر جهان را دیکته کند.

باین‌حال سندی که «سوزان رایس»، مشاور امنیت‌ملی آمریکا، در موسسه «بروکنیگز» آن را ارائه کرد، سرشار از تهدیدات آمریکا علیه روسیه بود. دولت آمریکا اکنون درحال بررسی ارایه مستقیم اسلحه به کی‌یف است؛ اقدامی که می‌تواند بی‌درنگ به جنگ مستقیم با روسیه منجر شود و اوباما درحالی به فکر تحریم‌های اقتصادی بیشتر علیه روسیه به‌عنوان مهاری نرم است، که تلاش می‌کند دولت اوکراین را مسلح کند. به نظر می‌رسد استراتژی مهار نرم از آن روست که او امیدوار است با همکاری «ولادیمیر پوتین»، رئیس‌جمهوری روسیه، بتواند مناقشه سوریه را حل‌وفصل کند؛ مناقش‌ای که اکنون به جنگ عراق گره‌خورده است. باراک اوباما به مهم‌ترین چالش‌های موجود، از افراط‌گری تا آنچه غرب دخالت‌های روسیه در

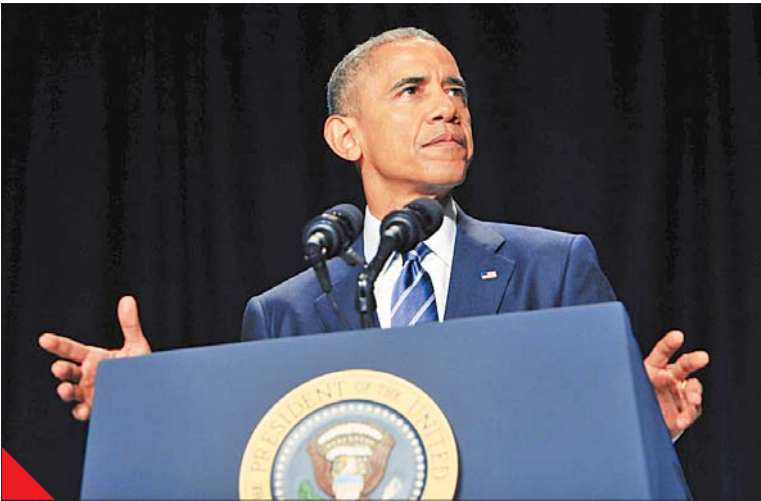
اوکراین می‌نامد یا مسایلی مانند تغییرات جوی و حملات سایبری اشاره کرده است و می‌گوید بهترین راه‌حل چنین چیزهایی با اجماع جهانی حاصل می‌شود. سوزان رایس، درعین‌حال از سیاست‌های واشنگتن در قبال مسایلی مانند برنامه هسته‌ای ایران دفاع کرده و می‌گوید رهبری ایالات‌متحده در چنین مواردی «موفقیت‌آمیز» بوده است. استراتژی دیگر اوباما مقابله با تهدیدات مبهمی است که با بهداشت عمومی، نابرابری و اقتصاد جهانی متزلزل گره‌خورده است.

اما رویکرد سیاست خارجی اوباما درطول سال‌های اخیر با انتقادات زیادی روبه‌رو بوده و بسیاری او را به‌دلیل سیاست‌هایش در قبال بحران‌های اخیر خاورمیانه شمات می‌کنند. شاید موردی که بیش از همه در اصول سیاست خارجی اخیر اوباما خودنمایی می‌کند، عراق

جهان

استراتژی امنیت ملی آمریکا اعلام شد

مهارهمزمان داعش وروسیه



ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.

ر.ت.